

گزارش

جنگ ۱۲روزه، واکنش‌های جهانی و اولویت‌های جدید سیاست خارجی

مرتضی شربیانی؛ با فاصله‌گرفتن از زمان آتش‌بس در جنگ بین ایران و اسرائیل و با گذر از تحلیل‌های کلی درباره این رویارویی نظامی، حال به‌تدریج زمان مقتضی برای تجزیه و تحلیل زوایای مختلف جنگ ۱۲روزه فرا می‌رسد. موقعیتی که لازم است در بطن آن مشکلات، ضعف‌ها و سهل‌انگاری‌های به وقوع پیوسته در زمان جنگ و زمان پیش از آن بررسی شده و تصمیم لازم برای رفع آنها اتخاذ شود. در این راستا شاید مهم‌ترین نکته‌ای که به محض پایان درگیری مورد توجه واقع شد و هم در سطح افکار عمومی و هم در سطح نخبگان و تحلیلگران سیاسی در خصوص آن سؤالاتی مطرح شد، موضوع روابط خارجی ایران و متحدان کشورمان در تقابل با اسرائیل و آمریکا بود. به بیان دیگر حمله اسرائیل به ایران و روندی که جنگ در ۱۲ روز بعدی به خود گرفت، نشانگر تنهایی ایران در برابر تهدیدات موجود و عدم حمایت عملی هیچ‌کدام از قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل از کشورمان در فرایند جنگ و آمادگی‌های مرتبط با آن بود. در واقع با وجود ماهیت آشکار تجاوزکارانه حمله اسرائیل، آمریکا و کشورهای اروپای غربی به صورت علنی از اسرائیل حمایت کرده، از هیچ کمک سیاسی و نظامی به اسرائیل دریغ نکردند و این در حالی بود که بلوک غرب با بهره‌گیری از نفوذ خود در سازمان‌های بین‌المللی، مانع از آن شدند که این سازمان‌ها حتی اقدامی برای محکومیت لفظی حمله آمریکا و اسرائیل کنند.
ایین در حالی بود که حمایت از ایران در این جنگ، با وجود موضع برتر کشورمان از منظر اخلاقی، محدود به حمایت‌های لفظی و بی‌بنیه‌های سیاسی می‌شد و حمایتی فراتر از این حتی از طرف کشورهایی همچون چین و روسیه که متحدین ایران تلقی می‌شدند، ملاحظه نشد. موضع سازمان‌های منطقه‌ای البته دلگرم‌کننده‌تر بود و هم سازمان همکاری اسلامی و هم سازمان همکاری شانگهای حمله اسرائیل را محکوم کردند که البته در این میان عدم حمایت هند از بی‌بنیه اعتراضی سازمان همکاری شانگهای تأمل‌برانگیز بود.

امسا چه مواردی در زمینه برخورد‌های بین‌المللی با جنگ ۱۲روزه شایسته توجه بیشتری است؟ به نظر می‌رسد موارد ذیل مهم‌ترین مواردی است که می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱- با وجود برخورد‌های ااعادله‌نا‌ی که ایران در اثنای جنگ با آنها درگیر بود، می‌توان گفت که در رفتارها و موضع‌گیری‌های دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی چندان هم دور از انتظار نبود. در واقع نظام بین‌الملل امروز، ساختاری است که به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، در اوایل دهه ۹۰ میلادی شکل نهایی خود را به دست آورده و بدیهی است که با توجه به موقعیت زمانی، آمریکا و متحدانش در بلوک غرب نتوانسته‌اند بر مقدرات این نهادها مسلط شده و این تسلط را تا امروز کمابیش ادامه دهند. از طرف دیگر تسلط آمریکا و متحدانش بر نهادهای مالی بین‌المللی و ساختارهای تجارت بین‌الملل، موجب شده که این کشورها ابزار‌های لازم را برای تحت تأثیر قراردادن رفتارها و مواضع بقیه دولت‌ها داشته باشند. به عنوان نمونه‌ای از نفوذ غرب در ساختار نظام بین‌الملل کافی است اشاره شود که روسیه به دنبال تهاجم به اوکراین از طرف تمامی سازمان‌های بین‌المللی از جمله مجمع عمومی سازمان ملل به‌شدت محکوم و از نهادهای ورزشی اخراج شد، ورزشکاران روسی از رقابت‌های بین‌المللی محروم شدند، رئیس‌جمهور روسیه از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری تحت تعقیب قرار گرفت و برای او حکم جلب صادر شد. البته شاید در اینجا به ماهیت تجاوزکارانه جنگ روسیه در اوکراین و موضع دفاعی کشورمان در جنگ ۱۲روزه اشاره شود اما به هر حال روسیه نیز با توجه به برخورداری از سلاح‌های اتمی، عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین وسعت و منابع گسترده، از قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل به شمار می‌رود و بدیهی است وقتی با کشوری در ابعاد قدرت روسیه، چنین برخورد‌هایی می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که در هنگامه درگیری آمریکا و مهم‌ترین متحدش با ایران، کشورها به صورت علنی و بی‌برده به حمایت نظامی یا تدارکاتی از ایران بپردازند.

۲- متحدان ایران در منطقه که عموما محور مقاومت خوانده می‌شوند، در جنگ بین ایران و اسرائیل هیچ نقشی ایفا نکردند و همچون دیگر کشورهای عرب و اسلامی منطقه، فقط به صورت بی‌بنیه اکثفا کردند. در این میان کوتاه‌مندی‌بودن جنگ بین ایران و اسرائیل که پس از پنج یا شش روز به یک نبرد متوازن تبدیل شد، می‌تواند این احتمال را برجسته کند که خود ایران ضرورتی برای دخالت‌دادن متحدان خود ندیده چراکه ایران از یک سو نمی‌خواست دامنه جنگ را بیش از حد گسترته کند و از طرف دیگر نمی‌خواست در نبردی که پایاپای پیش می‌رود متحدان خود را به میدان آورده و تضعیف کند و ترجیح داده از این امتیاز در شرایط مطلوب‌تری بهره بگیرد.

۳- اما شاید بتوان مهم‌ترین نتیجه جنگ ۱۲روزه را تبیین اهمیت روابط ایران با روسیه و چین در کنار ابهام‌زدایی از ماهیت این روابط دانست. در واقع نوع برخورد دو قدرت برتر نزدیک به ایران در خلال جنگ ۱۲روزه نشان داد که رابطه بین ایران با روسیه و چین نه یک رابطه استراتژیک بلکه رابطه تاکتیکی ناشی از تضاد با اقدامات آمریکاست. اما واقعیت این است که نقش آمریکا در ساختار نظام امنیت بین‌المللی و تأمین امنیت تقریبا همه کشورهای آسیای غربی و اروپا، موجب شده که کمتر کشوری امکان را دارد اقدام مستقل را در حوزه سیاست بین‌الملل برخلاف نظر آمریکا داشته باشد. در این راستا و با عنایت به حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا از اسرائیل و رویکرد خصمانه این دو کشور نسبت به ایران، باید پذیرفت که تنها معدود کشورهای همچون چین و روسیه (حتی کشوری مثل پاکستان) وجود دارند که می‌توان به عملکرد مستقل آنها دل بست و به توسعه همکاری‌های همه‌جانبه در ابعاد سیاسی و نظامی، با آنان امید داشت.

۴- کاستی‌های مشهود رخ‌داده در خلال جنگ ۱۲روزه ثابت کرد که با توجه به شرایط اقتصادی و ساختار‌های ژئوپلیتیک، زمینه‌های همکاری بین ایران با چین بسیار بیشتر از روسیه فراهم است و به نظر می‌رسد بسط رابطه با روسیه بنا به برخی دلایل ساختاری و ژئوپلیتیک نمی‌تواند بیش از میزان فعلی منافع ملی ایران را تأمین کند. درباره دلایل این گزاره باید گفت که اولاً روسیه اقتصادی متوسط با توان تولید محدود دارد که این مسئله موجب می‌شود این کشور حتی در صورت داشتن اراده سیاسی، توان عمل به تعهدات خود را نداشته و در نهایت نتواند نیازهای ضروری تسلیحاتی ایران را برطرف کند. در ابتدای این مطلب گفته شد که دوستان ایران در خلال جنگ با اسرائیل تنها به حمایت لفظی از کشورمان اکتفا کردند. اما در میان این حمایت‌های لفظی نیز پرشورترین حمایت از طرف پاکستان به عمل آمد، کشوری دارای سلاح هسته‌ای و متحد چین. پاکستان سال‌ها متحد آمریکا بود اما وقتی به نتیجه قطعی رسید که آمریکا در رقابت بین هند و پاکستان جانب هند را گرفته، تمرکز خود را بر توسعه روابط با چین معطوف کرد. اما این رویکرد موجب ارتقای تدریجی جایگاه بین‌المللی پاکستان شد به نحوی که خبرهای غیررسمی حاکی از سفر قریب‌الوقوع ترامپ به پاکستان است. سفری که اولین سفری رئیس‌جمهور آمریکا به پاکستان پس از ۲۰ سال خواهد بود. این در حالی است که پاکستان مدت‌های مدیدی به دلیل فعالیت‌های اتمی و ترویج غیرقانونی تکنولوژی هسته‌ای از طرف آمریکا تحت فشار بود. اما آمریکا امروز با آن کنار آمده چراکه پاکستان خود را در موقعیتی قرار داده که آمریکا امکانی برای فشارآوردن بیشتر بر این کشور ندارد و این تجربه‌ای عینی است که می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران کشورمان واقع شود. در واقع وقتی پاکستان با اتهام بی‌مسئولیتی در ترویج تکنولوژی هسته‌ای به عرصه جامعه بین‌الملل بازگشفت، چرا باید کشورمان با تمام رفتار‌های مسئولانه‌اش نتواند در این عرصه حضور یابد؟

درگذشت احمد توکلی در اول مرداد ۱۴۰۴، بیش از آنکه پایان زندگی یک سیاست‌مدار اصولگرا باشد، فرصتی است برای بازخوانی مسیری متفاوت در دل ساختار رسمی جمهوری اسلامی؛ مسیری که در آن، تعادل میان تعلق جناحی و نقد درونی با دشواری‌اما پایدار حفظ شد و حتی به نقد از مواضع و تصمیمات خود نیز رسید. توکلی یکی از معدود چهره‌هایی بود که هم‌زمان با پایبندی به اصول محافظه‌کارانه اقتصادی و سیاسی، در بزنگاه‌هایی که سکوت انتخاب رایج بود، صدایش را بلند کرد؛ نه علیه ساختار حاکمیت، بلکه در دفاع از عدالت و سلامت قدرت.

او در دهه‌های پایانی عمر خود نه صرفا سیاست‌مدار، که کنشگری مدنی با ریشه‌های عمیق در تجربه قدرت بود؛ تجربه‌ای که او را با تمام پیچیدگی‌ها و خطاهایش مواجه کرد، اما از تلاش برای اصلاح درون نظام بازنداشت. با خاموشی توکلی، بخشی از حافظه انتقادی و عدالت‌خواهانه درون حاکمیت، که دغدغه شفافیت، عدالت و مسئولیت‌پذیری داشت، به پایان مسیر خود رسید.

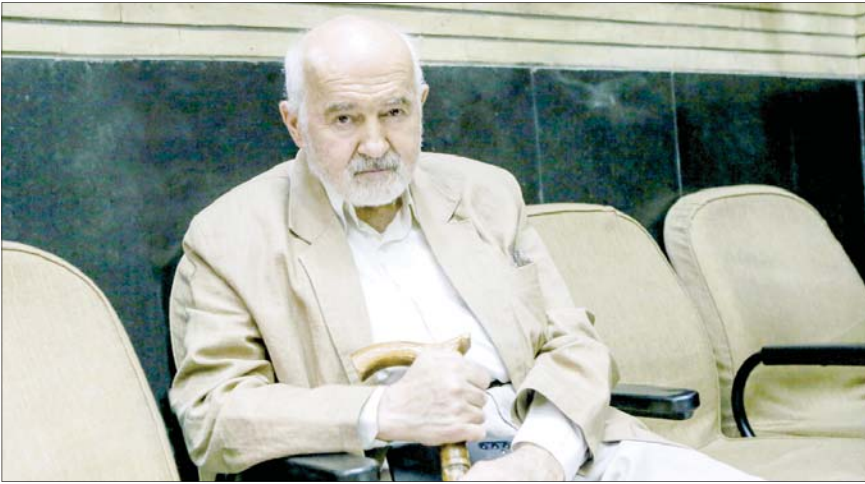
احمد توکلی در سال ۱۳۳۰ در بهشهر به دنیا آمد. خانواده‌ای مذهبی و بازاری با پیشینه‌ای که به تاجر اصفهان و قفقاز بازمی‌گشت. دوران دانشجویی‌اش در دهه ۴۰ و ۵۰ با فعالیت‌های انقلابی و تجربه زندان در دوره پهلوی همراه بود. برخلاف برخی هم‌نسلانش، او در زندان از سازمان مجاهدین خلق کسبت و به قرارتی اسلامی از انقلاب نزدیک شد. پس از انقلاب در سطح محلی و ملی مسئولیت‌هایی در حوزه قضائی و امنیتی پذیرفت و در دولت اول میرحسین موسوی به وزارت کار رسید؛ اما آنجا نیز نخستین نشانه‌های ناسازگاری با مصالحه‌گرایی‌های مرسوم خود را نشان داد و پس از مدتی استعفا داد و به فعالیت رسانه‌ای و کنش مدنی روی آورد. البته او سودای پاستور هم داشت اما ناکام ماند و به نمایندگی مجلس و درنهایت عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام اکتفا کرد.

توکلی در دهه ۶۰ روزنامه «رسالت» را تأسیس کرد؛ رسانه‌ای که از جناح راست سنتی آغاز کرد اما به تدریج رنگ و عقیالتی به خود گرفت. بعدها وب‌سایت «الف» و نهایتاً «دیدهبان شفافیت و عدالت» از بنیان گذاشت؛ نهادهی مدنی و مستقل که مبارزه با فساد و رانت‌خواری و پیگیری پرونده‌های اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد. این تلاش‌ها باعث فاصله‌گیری بسیاری از هم‌قطاران اصولگراش شد، نه به دلیل تغییر ایدئولوژیک، بلکه به این دلیل که توکلی حاضر نبود چشم بر فساد و تبعیض سخاری ببندد.

با همین دست‌فرمان و در قالب دیدهبان شفافیت، او صدایش

احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گذشت

منتقدی از درون در پی شفافیت



احمد توکلی

از علیه نارسایی‌های درون بلند کرد و عملکرد دولت‌های مختلف و چهره‌های نزدیک به جناح خود را به نقد کشید. توکلی اهل بازندیشی بود و در نوشته‌ها و گفت‌وگوهایش بارها از مواضع پیشین خود فاصله گرفت؛ از حمایت‌های سابق مانند حمایتی که سبب ورود محمود احمدی‌نژاد به پاستور شد تا سیاست‌هایی اقتصادی که در نهایت متهم هستند که به تشدید ناترازی‌ها ختم شدند.

از جمله نقدهای جدی به توکلی، نقش او در مجلس هفتم بود که در همراهی با همفکرانش مانند حدادعادل و الیاس نادران قوانین تثبیت قیمت‌های انرژی را تصویب کردند؛ قوانینی که امروز به عنوان یکی از عوامل ناترازی‌های بحرانی انرژی و آب در اقتصاد ایران شناخته می‌شوند. همچنین طرح قانون کاری که در عمل شد اشتغال بود و حمایت از بهره اسمی پایین در نظام بانکی که منجر به بحران‌های بانکی شد، از نقاط ضعف سیاست‌گذاری اقتصادی او محسوب می‌شود. اما توکلی در دفاع از خود تأکید داشت که در آن دوره فقط فرصت کوتاهی به مدیران دولتی داده شده بود تا برای کاهش قیمت کالاها برنامه‌ای ارائه دهند و او هرگز طرفدار تثبیت قیمت‌های غیرعلمی نبوده است.

در سال‌هایی که کمتر کسی در دل ساختار از عدالت

اقتصادی و تبعیض سخن می‌گفت، توکلی صدایش را بلند کرد.

پرونده‌های فساد را پیگیری کرد، به دادگاه رفت، شکایت کرد و در نهایت تن به سکوت نداد. برخی او را مصلح می‌دانستند

نه انقلابی؛ چراکه دغدغه‌اش جلوگیری از فاصله‌گرفتن انقلاب

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی

که هرگز از عدالت کوتاه نیامد.

را

به

حکومت، بلکه مسئولیتی تاریخی و اخلاقی می‌دیدند.

برای هرگز که هنوز معنی «تقد درونی» را می‌فهمیدند، هنوز به

درد مردم گوش می‌سپردند و هنوز باور داشتند سیاست‌ورزی،

بازی قدرت نیست، تعهد، مسئولیت و گاهی هزینه‌دادن است.

اگرچه پیکر او در خاک آرام می‌گیرد اما نام احمد توکلی، با

وجدان سیاسی فعال و صداقت در نقد خود، زنده خواهد ماند.

انسانی درگیر با واقعیت، نه اسطوره‌ای بی‌خطا، بلکه منتقدی